



**Global Storybooks**

[globalstorybooks.net](http://globalstorybooks.net)

چرا گرگيٰ مو نڊاشٽ

✎ Basilio Gimo, David Ker

✎ Carol Liddiment

✎ Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-

e Danesh Library)



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 3.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0>



چرا گرگيٰ مو نڊاشٽ



✎ Basilio Gimo, David Ker

✎ Carol Liddiment

✎ Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-

e Danesh Library)

|| 2

دريٰ srd



پک روز، خَرگوشِ کِنارِ رودخانه راه  
می رَفت.

عَلَفَ سَبْرًا لِيَأْتِيَنَا بُونَ.

گرددن هم برای قدم زدن و خوردن مقداری





گرگدن، خرگوشی را که آنجا بود ندید و  
تصادفاً روی پای خرگوش پا گذاشت.  
خرگوش شروع به چیغ زدن کرد و گفت،  
“هی گرگدن! نمی بینی که روی پای من  
ایستاده‌ای؟”



خرگوش خوشحال بود از اینکه موهلای  
گرگدن سوخته بود و تا امروز کرگدن به  
خاطر ترس از آتش، هیچوقت دورتر از آن  
رودخانه نرفته است.





خَرگوش رَفَت تا آتَش پيدا كُرد و به او  
گُفت، “بُرو، وَقَتِي كِه كَرگَدَن اَز آب بِيرون  
اَمَد تا عَلف پَخورَد، او را پَسوزان. او روي  
پاي مَن پا كُذاشت!” آتَش پاسُخ داد، “هيچ  
مُشكِلِي نِيست، خَرگوش جان، دوستِ مَن،  
مَن آنچه را كِه تو خواستي اَنجام مي\_دَهَم.”



بَعْداً، كَرگَدَن وَقَتِي دُور اَز رودخانه عَلف  
مي\_خورد ناگهان، آتَش او را فَرَا كَرِفت.  
آتَش زَبانِه كَشيد. شُعَلِه هَلايِ آتَش شُرُوع بِه  
سوزاندَن موهايِ كَرگَدَن كَرَدَنَد.